

دکتر کرامت مؤللی

نور زمان



سرشناسه: مۆللی، کرامت‌الله، ۱۳۲۷ - ● عنوان و نام پدیدآور: ذهن و زمان / کرامت مۆللی؛ ویرایش: الهه عین‌بخش.
 ● مشخصات نشر: تهران، نشر نی، ۱۳۹۷ ● نوبت چاپ: چاپ اول، ۱۳۹۸ ● وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا ● مشخصات
 ظاهری: ۵۱۴ ص. ● شابک: 2-625-185-964-978 ● موضوع: خواب‌دیدن Dreams؛ خواب‌گزاری Dream
 Interpretation؛ خواب دیدن - جنبه‌های فیزیولوژیکی Dreams - Physiological aspects؛ جسم و جان Mind and Body
 ● رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ذ م ۸ / BF۱۰۷۸ ● رده‌بندی دیویی: ۱۵۴/۶۳ ● شماره کتابشناسی ملی: ۵۴۷۳۸۴۶

قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

رسم الخطا ضبط فارسی نام‌ها و اصطلاحات و اعراب‌گذاری
 واژگان در این اثر، اساس سلیقه و روش مؤلف است.



ذهن و زمان

Mind, Body, and the Question of Time

دکتر کرامت مۆللی

Kéramat Movallali

ویرایش: الهه عین‌بخش

صفحه‌آرایی: سهیلا یوسفی

لینوگرافی: باختر ● چاپ: غزال ● صحافی: غزال

چاپ اول: تهران، ۱۳۹۸، ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۸۵-۶۲۵-۲

نشانی: تهران، خیابان دکتر فاطمی، خیابان رهی معیری، تقاطع خیابان فکوری، شماره ۲۰
 کد پستی: ۱۴۱۳۷۱۷۳۷۱، تلفن دفتر نشر: ۸۸۰۲۱۲۱۴، تلفن واحد فروش: ۸۸۰۰۴۶۵۸۰۹، نامبر: ۸۹۷۸۲۴۴۴
 www.nashreny.com ● email: info@nashreny.com ● nashreny

© تمامی حقوق این اثر برای نشرنی محفوظ است. هرگونه استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست مطالب

۱۳	یادداشت نویسنده
۱۹	بخش نخست: رابطه جسم و جان
۲۱	فصل اول: موجود زنده چیست؟
۲۸	نظریه اصل تعادل مداوم
۲۹	پیدایش علمی جهانگیر
۳۲	رواندرمانی‌های استعلامی - رفتاری
۴۳	ادراک استعلامی، مفهومی بنیادی در علوم عصبی
۴۸	مجادله در باب اعتبار علوم عصبی
۵۹	فصل دوم: موضوع علوم استعلامی
۶۰	نظریه رفلکس‌ها
۶۸	ذهن یا ادراک استعلامی
۷۳	فصل سوم: رابطه جسم و جان
۷۵	رانش، نظریه‌ای خاص در باب رابطه جسم و جان
۷۸	تصورات ذهنی و ضمیر آگاه
۸۰	موجود زنده
۸۲	نفس حیوانی
۸۷	صور مختلف انقسام به عنوان وجه تمایز موجود زنده
۹۰	نفس محبوه

۹۵	فاعل نفسانی چگونه تشکل مییابد؟
۹۹	رانش نزد فروید و لکان
۱۱۱	فصل چهارم: پرسش از زمان
۱۱۱	ورود به مطلب
۱۱۳	زمان، تقارنی مستمر
۱۱۴	ارسطو و مسأله زمان
۱۱۹	برداشت عموم از زمان و دسترسی ذاتی انسان بدان
۱۲۴	مسأله زمان در مطالعات تطبیقی حیوانات (ایتولوژی)
۱۳۴	رانش یا غریزه، فروید یا لورنتز
۱۴۵	تقابل عناصر روانکاوی و ایتولوژی
۱۵۰	زبان ایتولوژی
۱۵۷	صورت و تکامل
۱۶۴	زبان تکلم
۱۶۸	حیث زمانی و فیزیووری حرکت
۱۷۴	حرکت و زمان، دو عنصر اساسی در کار مغز
۱۷۹	کنترل حرکات بدن و وجه زمانی آن
۱۸۲	تناوب حرکت و مداخلت آن در حیث زمانی موجودات زنده
۱۸۸	فیزیولوژی ابتکار عمل
۱۹۱	دوروند تحقیقاتی تقریباً متضاد
۱۹۳	ورای مفاهیم فطری/ اکتسابی
۱۹۴	جان عالم
۱۹۷	فیزیولوژی استباقی
۱۹۹	بدن، وحدت یا پراکندگی، جمع یا تفرقه؟
۲۰۲	وضع فعلی تحقیقات و منشاء تاریخی آنها
۲۰۷	انواع مکانیسم‌های استباقی
۲۱۳	مدل‌های عصبی داخلی و جهان خارج
۲۱۹	بخش دوم: خواب و رؤیا
۲۲۱	فصل اول: فرایند رؤیا

فهرست مطالب ۷

۲۲۱	موضع و مدخلیت خواب‌بیننده در رؤیا
۲۳۱	وجه‌زمانی آرزومندی
۲۳۳	زمان بلحاظ ریشه‌شناسی
۲۳۴	مضارعه، مکانیسم عمده رؤیا
۲۳۷	رؤیای افتتاحیه فروید در تعبیر خواب
۲۳۹	باقت و انسجام وقایع در رؤیا
۲۴۲	کال، ختلف نقل و حکایت در رؤیا
۲۴۴	توالی زنجیری، توالی دفعی و توالی تلفیقی
۲۴۶	خواب‌های خارق‌العاده
۲۴۸	بازگشت بیوقفه
۲۵۰	روند سلسله‌رفایع در رؤیا
۲۵۲	فقدان هیجان در رؤیا
۲۵۵	چگونه فاعل نفسانی در رؤیا ظاهر می‌شود؟
۲۶۲	انحلال در تکرار / انحلال در غیر
۲۶۶	انحلال در غیر
۲۷۰	تفاوت رؤیا و دیوانگی
۲۷۵	رابطه فانتسم و رؤیا و تفاوت آنها با یکدیگر
۲۷۶	دو نوع خاص از فانتسم
۲۸۲	تحقق آرزومندی یا ارضای آن؟
۲۸۴	فانتسم‌ها در تحولات نفسانی دستخوش تغییرات مختلفی می‌گردند
۲۹۰	سه نوع مهم از کاربرد فانتسم در خواب
۲۹۷	خواب‌های صرفاً تخیلی
۳۰۴	آسیب روانی و پیامدهای آن
۳۱۶	اعداد و ارقام در رؤیا
۳۲۴	وارونه جلوه‌دادن مسائل
۳۲۹	آخرین شراره آرزومندی
۳۳۳	فصل دوم: رؤیا و فیزیولوژی خواب
۳۳۳	مروری بر رئوس مطالب فصل قبل
۳۳۶	کارکرد مغز در خواب ربطی به سیستم رفلکس ندارد

۳۳۹	روند بی‌اختیار خواب.....
۳۴۲	مراحل مختلف خواب.....
۳۴۵	انسجام رؤیا و مرحله ضدونقیض خواب.....
۳۴۷	مکانیسم‌های دخیل در مرحله ضدونقیض خواب.....
۳۵۱	وضع فعلی تحقیقات در زمینه خواب.....
۳۵۳	جهات عمده تحقیقات در مطالعات کنونی.....
۳۶۴	عمل رؤیا و نوروفیزیولوژی خواب.....
۳۸۰	در رد نظریه فعال‌سازی - جمع‌بندی.....
۳۸۳	روانکاوی مغز و اعصاب.....
۳۸۵	فروید، مغز، اعصاب.....
۳۹۰	تعبیر خواب: فرید و مسأله یافتن معادلی آناتومیک برای نفسانیات.....
۳۹۳	تصاویر، هنر، بصر و رؤیا.....
۴۰۱	خواب و بیدار.....
۴۰۹	فصل سوم: رؤیا، حریر، خص صی ای نفس آدمی.....
۴۰۹	روشی بدیع در مطالعه مکانیسم‌های نفسانی، رؤیا.....
۴۱۸	فرضیه‌های استعلامی در باب کاک.....
۴۲۱	رؤیا، میراثی مفید از آباء و اجداد بشر.....
۴۳۴	آیا رؤیا نوعی بازی و سرگرمیست؟.....
۴۳۷	بازی میان خواب و بیداری.....
۴۳۸	ماهیت الهانی مکانیسم‌های رؤیا.....
۴۴۰	از دست رفتن مطلوب آرزومندی.....
۴۴۵	سهم خاطرات در تشکّل رؤیا.....
۴۴۹	منطقی به اقتضاء موقعیت.....
۴۵۲	جبر یا اختیار.....
۴۶۱	فصل چهارم: تصاویر در رؤیا، رانش و روند معکوس آن در خواب.....
۴۶۱	خلاصه‌ای از مطالب پیشین.....
۴۶۲	تصاویر در رؤیا و وسایل و دسایس آنها.....
۴۶۹	خواب و تصاویر رؤیا.....

فهرست مطالب ۹

ماهیت ضدونقیض رؤیا.....	۴۷۳
وضوح و روشنی فوق العاده تصاویر در خواب.....	۴۷۶
حیث حضوری زمان در خواب و وضوح تصاویر در رؤیا.....	۴۸۱
رانش و انعکس آن در رؤیا.....	۴۸۳
مطلوب اصلی رؤیا.....	۴۸۶
مراجعه.....	۴۹۱
نما.....	۵۰۳

www.ketab.ir

یادداشت نویسنده

متن حاضر ترجمه‌ایست از کتابی که اخیراً توسط انتشارات Routledge بزبان انگلیسی منتشر شده‌است.^۱ متن اصلی خود بر اساس کتابی است در همین زمینه که در سال ۲۰۰۷ میلادی بزبان فرانسوی منتشر شده بود.^۲ لذا هریک براساس زبان و فرهنگی متفاوت به تحقیق درمورد رؤیای یک موضوعی که مربوط به حریم خصوصی هریک از ماست میپردازد. ولی جهت فراهم آوردن نقادانه لازم برای ورود بموضوعی با اهمیتی اینچنین، چه بلحاظ مسائل علمی و چه با مسائل فلسفی، میبایستی ابتداء به پرسش درمورد ذات آدمی در مقایسه با حیات و مسائل پرداخته سعی کرد تا آنجا که در مجال کتابی با محدودیتی اینچنین میباید به مسائلی اشاره پرداخت، مسائلی که متأسفانه پیش از پیش تحت سیطره علوم جدید بدست فراموش سپرده میشوند. نتیجه آنکه مبنای داده‌ها و کشفیات این علوم غالباً صورت اموری بدیهی و قطعی بخود گرفته پرسش درباره آنها را با دشواری مواجه کرده‌است.

1. Movallali, Keramat, *Dreams, Neuroscience, and Psychoanalysis: Mind, Body, and the Question of Time*, Routledge, 2017.
2. Movallali, K ramat, *Contribution   la clinique du r ve, la Psychanalyse et les Neurosciences*, L'Harmattan, 2007.

کتاب حاضر حاصل بیش از سی سال کار بالینی و تحقیقی است. ولی اعتراف میکنم که انگیزه اصلی آن بدوران نوجوانیم برمیگردد یعنی بمطالعه کتاب تعبیر خواب فروید. لذا این تحقیقات درباره رؤیا خود به نحوی تحقق خوابی است از دوران نوجوانی. ارزیابی مابقی مسائل را به خوانندگان واگذار کرده در اینجا تنها به ذکر مختصری در باره زبان کتاب اکتفاء میکنم.

اعتقادی که در زبان فارسی بخصوص در سالهای اخیر شدت یافته احتمالاً ناشی از رابطه‌ای است که بطورکلی با مسأله زبان داریم. بنظر میرسد که در ذهن عده‌ای از صاحب‌قلمان مسأله این نیست که ما خود را تابع زبان بدانیم بلکه بی آنکه لزوماً از آن آگاه داشته باشند به نحوی عمل میکنند که گویی این زبان است که باید تابع آنها باشد. ناگفته نماند است که یک چنین برداشتی از زبان چیزی جز اعمال خشونت بدان نیست، نوعی از خشونت که نمیتواند بعنوان امری محدود بزبان تلقی شود. یکی از نشانه‌های بارز این خشونت امانوان در قطع ارتباط ما با گذشته دانست. غالباً گذشته را با سنت خلط و اشتباه میکنیم. در حال حاضر سنت داریم ولی فاقد گذشته شده‌ایم. البته منظور از گذشته خودش یکی و افتخار بدان نیست زیرا چنانکه بارها در کتاب حاضر بدان پرداخته‌ام خودشیفتگی ناشی از ضعفی عمیق بوده مانعی بیش در مقابله با مسائل واقعی نیست. امید که مبحث هلدن یکی از پرسش‌های عمده کتاب حاضر را تشکیل میدهد نظری والا تر از مفهوم گذشته بدست دهد.

در این کتاب همواره بر آن بوده‌ام که از جعل کلمات و تعریف صرف نحو و سیاق خط فارسی بپرهیزم. در عوض هم خود را صرف حفظ انسجام زبان کرده کوشیده‌ام آنرا از تصنع و تکلف مصون بدارم. بخصوص هم خود را بر اجتناب از اداء و اطوار مترجمین و نویسندگانی گذاشته‌ام که بتقلید از زبان انگلیسی قواعد نحوی زبان فارسی را رعایت نکرده به پس و پیش کردن اجزاء جمله میپردازند (جایبجانی قیود و صفات در جملات، آوردن ضمائر فاعلی در آغاز هریک از آنها، مخدوش کردن توالی زمانی افعال بخصوص در جملات کمابیش طویل، جانی که نه تنها استیصال

و سرگردانی نویسنده را میرساند بلکه درک صحیح توالی وقایع را نیز برای خواننده ناممکن میسازد...) یا به بهانه اینکه معادلات مورد نظر در زبان فارسی وجود ندارند در صرف و ساختمان کلمات دست برده به جعل لغات «مَن درآوردی» مبادرت میکنند. مثلاً از درک این امر غافلند که جمع مکسر کلمات غالباً در زبان فارسی بیشتر متناظر بر اسم جمع است تا جمع ساده آنها که با استفاده از ادات جمع صورت میگیرند. چراکه ذهن این کلمات را بصورت مجموعه‌هائی کلی درک و فهم می‌کنند. بصورت مقولاتی ناشی از گردهم آوردن یکایک آحاد. همین امر بلحاظ دیگری در مورد عبارات و تعبیّرات موجود در زبان نیز صادق است. این عبارات چه وصفی باشند چه تعلیلی و اسمی همواره برای ذهن و عقل سلیم واحدهائی لایتجزّا بوده بصورت کلی واحد در نظر گرفته میشوند. روح زبان تکلم ایجاب میکند که آنها را بعنوان تعریضی در نظر بگیریم که قابل تفکیک به اجزاء نیستند. لذا خطاست که این امر را در مورد عبارات به داینجامین باب مثال می‌آورم رعایت نکنیم: ازاینکه، درمورد، همین امر، بنابراین، گستر، جستجو، خانمانسوز و یا ترکیباتی فعلی چون می‌رود، آمده‌است، خواهم رفت، گفته شود... به‌علاوه جدا نوشتن و تفکیک آنها از یکدیگر در جهت چیزی جز تسطیح زیربیم کلمات و ازمیان بردن تفاوت و تمایز آنها بلحاظ معنا نبوده امکانات بسیاری را از نویسنده می‌گیرد. بعنوان مثال بنا بر مقتضیات و معنائی که مایلیم به خواننده القاء کنیم موازنه بین بنویسیم «بصورت کلی واحد...» و یا آنرا بدین نحو تغییر دهیم «بصورت کلی واحد...» یا بنا به منظوری که مورد نظر است بنویسیم «بنابراین» یا «بنا بر این». حال آنکه با تفکیک عمومی اجزاء متشکله عبارات اینگونه امکانات را بکلی از دست می‌دهیم.

یا بتازگی کلمات خاص و اصطلاحات فنی را بصورت لغاتی معمولی درآورده به تسطیح زیربوم آنها میپردازند و بدین لحاظ «شخصیت» آنها را پایمال میکنند. لذا محدب و مقعر میشود فرورفته و برآمده یا مغز قدّامی میشود مغز پیشانی... اگر نواقصی وجود داشته باشد بیشتر از آنکه ناشی از زبان فارسی باشد حاصل عدم

اطلاع و بخصوص خودشیفتگی جاعلان این کلمات است که نه زبان خود را بخوبی می‌شناسند و نه دانشی کافی از زبانهای خارجی دارند. توگونی زبان حالت آینه‌ای را پیدا کرده که در آن چیزی جز «جمال زیبایی» خود نمی‌بینند. کسی که رابطه‌ای معیوب با زبان مادری داشته باشد آنرا لزوماً بزبانهای دیگر نیز انتقال می‌دهد و در بازگشت به زبان، خود عیوب و نواقص کلامی خود را دوچندان میکند. بیخود نیست که شنیدن را بجای گوش کردن گرفته می‌گویند «شنود» (بجای استراق سمع که عملی است فَنّ از گوش فرادادن نه عملی منفعل از شنیدن) یا دیدن را بجای نگاه کردن یا انرژی خورشیدی را بجای انرژی آفتابی می‌گیرند... فی‌المثل بنظر میرسد عده‌ای با کارکرد صحیح راز، مفعولی آشنائی کافی نداشته و بجای آنکه آنرا در جای مناسب خود بگذارند در آخر عبارت می‌آورند. زبان فارسی تنها دارای دو نوع حالت مفعولی است و عجب که گویا برخی افراد با همین دو نوع ساده هم مشکل دارند. حال باید پرسید چه میکردند اگر با زبانهای سرکار داشتند که دارای حالات مفعولی عدیده‌ای هستند که گاه بالغ بر پنج/شش حالت متفاوت میشود؟ یا بتازگی یاء نکره را به آخر کلماتی می‌افزایند که خود دارای یائی ماضیه هستند. (مثلاً بجای «چارچوبی نظری» مینویسند «چارچوب نظری‌ای» و یا بجای ازمانی ماضی می‌گویند انسان قوی‌ای). بی‌آنکه باین امر توجه داشته باشند که نه تنها تلفظ نادرست گونه رکیبات را مشکل میکنند بلکه بدین لحاظ حالتی زشت و زمخت به زبان میدهند.

نتیجه آنکه متون ترجمه چنان زبان فارسی را تحریف کرده که آنرا از شیوه نگارش خاص خود دور نموده‌اند. متون پیوسته «بوی ترجمه» را داده و بنحافظات طبیعی زبان فارسی حالتی کاملاً مهجور بخود می‌گیرند. فاجعه بجائی رسیده که حتی آنان که به کار ترجمه اشتغال ندارند بتقلید از این تحریفات پرداخته به انحراف زبان از آنچه در ممالک فارسی زبان رایج است می‌پردازند. در سراسر دنیا و مطابق با اصول و قواعد بین‌المللی زبان مقصد همواره زبان مادری مترجم است. حال آنکه در کشور ما حتی وقتی می‌خواهیم بزبان مادری بنویسیم بتقلید از زبان مبدا می‌پردازیم. متأسفانه

فرهنگ‌های لغات نیز از قافله عقب نمانده‌اند و «ببرکت» نسخه‌برداری‌های دیجیتالی هرچه بیشتر باین ضایعات دامن می‌زنند.

مثلاً هیچ فارسی‌زبانی نمی‌تواند بدون دسترسی بزبان انگلیسی حدس بزنند که منظور از «زیرساخت» تأسیسات حیاتی یک شهر یا مملکت است و یا منظور از «همگرانی» رسیدن بنتایجی است مشابه یا داشتن وجوهی مشترک و یا «عمل‌گرانی» درواقع بهای سرار در منفعت عملی است نه تمرکز بر عمل، کنش یا رفتار و یا اینکه «ساختار» همان ساخت، ریخت یا ساختمان در زبان فارسی است که گاه به بافت، تاروپود، به‌واسطه و یا زیربنا دلالت پیدا می‌کند. . . . همینطور است صدها واژه دیگری از این قبیل. زبان عبارت از تعدادی اصوات، کلمات و قواعد صرفی و نحوی نیست که بطور قراردادی مگر هم آورده‌باشند تا افراد بتوانند ازطریق آنها باهم در رابطه بوده برفع حوایج خود بپردازند. تکلم بزبان قبل از همه بدین معنی است که آدمی اهل تاریخ بوده صاحب گذشته است که باو اجازه می‌دهد به فراروی آینده رفته حیات خود را در زمان حال تعین بخشد. زبان عالمی است عظیم و شگفت‌انگیز از لقای انسان با آفاق و انفس. این وجه عمیقاً حضوری زبان است که خصوص و عموم را به نحوی اینچنین خارق‌العاده باهم تلفیق داده و هر فرد و هر قوم نحوی خاص از نسبت با عالم و آدم اعطاء کرده‌است. تکلم بزبان به مراوده با دیگر افراد جامعه خلاصه نمی‌شود بلکه نحوی است خاص از فکر کردن، از وجود داشتن، از مردن و ورزیدن که اقوام را از یکدیگر متمایز می‌سازد. استفاده بجای و نابجا از کلماتی که بدینند، حاکی از فکر کردن بزبان فارسی نیست بلکه نوعی عاریت گرفتن بدلی و سطحی است از نحوه خاصی از فکر کردن که همچون مواد مصرفی از خارج وارد شده و دیگر حتی با اصل خود نیز مطابقت ندارند.

در کتاب حاضر تلاش برآن بوده‌است که روال طبیعی زبان فارسی رعایت شود و علیرغم وفور اصطلاحات در شعب مختلف علوم که بمطالعه رؤیا می‌پردازند هیچ لفظ یا اصطلاحی جعل نشود مگر آنکه سابقه‌ای در زبان فارسی داشته‌باشد.

حاصل آنکه امیدوارم کتاب علیرغم محتوی پیچیده آن بلحاظ علمی و فلسفی برای اکثریت قابل دسترسی باشد. برای سهولت قرائت و یا تلفظ صحیح اسماء خاص از اعراب، تشدید، تنوین و انواع همزه نهایت استفاده را کرده‌ام. زیرا گنجینه‌ای غنی بلحاظ خط فارسی بوده وسیله‌ای مناسب جهت دقت و جدّیت بخشیدن به کاربرد آن هستند. کلمات و ترکیباتی که از زبان‌های ترکی، هندی، عربی، روسی... وارد زبان فارسی شده‌اند جزئی لایتجزّی از میراث فرهنگی ما میباشند بطوریکه هر نوع تبعیض نسبت بدانها در بطن زبان فارسی نه تنها امری است خلاف شعور و روح زبان بلکه کاری جز تضعیف آن نکرده دیرپا زود زبان ما را از هرگونه امکان فکری، علمی و ادبی محروم خواهد ساخت. امروزه افراد در رشته‌های مختلف حرفه‌ای و تحقیقاتی خود معادلات و فرمول‌ها را با جوع ذهنی و تلویحی به اصل آنها در زبان انگلیسی درک و فهم میکنند بنحویک که دلالت فارسی آنها نه اهمیتی بلحاظ معنوی دارند و نه اهمیتی بلحاظ لفظی. توگونی فقط عین مکانیکی هستند که از دور به کلماتی کاملاً تقریبی در زبانی دیگر ارجاع دارند. اینست فاجعه آئونی زبان فارسی که ممکنست عن قریب آنرا کاملاً متکی بر زبانی بیگانه کند، یعنی که محتمل است وجه حضوری خود را که خصوص هر زبان انسانی است از دست بدهد. در چنین وضع آشفته‌ای شاید تنها امید را بتوان به رمان و آثار ادبی بست که در ممارست رتبه واقعی زبان نیازی به تصرف و تعرّض بدان نداشته خود را بصرافت طبع در بطن رونا طایع زبان قرار میدهند.

در اینجا لازم میدانم مراتب تشکر خود را نسبت به آقای بنعقر همائی، مدیر محترم نشر نی، اعلام نموده از سعه صدر ایشان در انتشار کتاب و انکاری تجلیل بعمل آورم.